

شماره هـ/۷۷/۳۰۸

۱۳۸۰/۴/۲۰

شماره دادنامه: ۸۹

تاریخ ۱۳۸۰/۳/۲۷

کلاس پرونده: ۳۰۸/۷۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای محمدتقی عبدالرزاقی.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۲۸۵۶/م/۳۲۱ مورخ ۱۳۷۵/۸/۵ فرماندار قزوین.

مقدمه: شاکی طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته اند، فرماندار قزوین به قائم مقامی شورای شهر قزوین مصوبه ای را امضاء و تصویب نموده است که براساس آن شهرداری قزوین برای ورودی وسایل نقلیه باربری و توقف در میدان تره بار عوارضی تحت عنوان حق پارکینگ دریافت می کند. از آنجایی که وفق بند الف ماده ۴۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۶۹/۸/۲ مجلس شورای اسلامی «وضع عوارض جدید یا افزایش عوارض موجود در خصوص شهرداری ها صرفاً با پیشنهاد وزیر کشور و تصویب رئیس جمهوری امکان پذیر است و با توجه به وجود قید صرفاً در ماده مرقوم قائم مقامی شورای شهر قزوین حق وضع عوارض جدید برای شهرداری قزوین نداشته اند بنا به مراتب مرقوم تقاضای ابطال تصمیم اتخاذ شده توسط قائم مقامی شورای شهر قزوین مبنی بر اخذ عوارض جهت ورود وسایل نقلیه در میدان تره بار قزوین را دارد. مدیرکل دفتر امور شهری و روستایی استانداری قزوین در پاسخ به شکایت مذکور مبادرت به ارسال تصویر نامه شماره ۸۹۲/م/۲۱/۲۳۷ مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۳۰ شهردار قزوین نموده است. در این نامه آمده است، مصوبه مذکور به استناد اختیارات تفویضی وزارت کشور و در اجرای بند ۲۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۳/۱ مجلس شورای اسلامی صادر و ابلاغ گردیده و کاملاً قانونی و قابل اجراء است و از مصادیق قانون ذکر شده در دادخواست شاکی نبوده و اصولاً حق پارکینگ، عوارض نمی باشد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام و المسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و روساء و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از

بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی: طبق بند ۲۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۳/۱ تصویب نرخ خدمات ارائه شده توسط شهرداری و سازمانهای وابسته به آن با رعایت آیین نامه مالی معاملات شهرداری ها از جمله وظایف شورای اسلامی شهر است و چون به موجب تبصره الحاقی به ماده ۵۳ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری مصوب ۱۳۶۴ تا تشکیل شورای اسلامی شهر وظایف آن شورا در امور شهرداری به شخص وزیر یا سرپرست وزارت کشور محول شده است و حکم این تبصره مفید جواز تفویض وظایف مذکور به سایر مقامات وزارت کشور نیست، بنابراین مصوبه شماره ۲۸۵۶/م/۳۲۱ مورخ ۱۳۷۵/۸/۵ فرماندار قزوین در خصوص تعیین حق پارکینگ و دریافت آن از وسائط نقلیه باربری به جهت ورود و توقف آن ها در میدان تره بار آن شهرستان خارج از محدوده اختیارات فرماندار تشخیص داده می شود، و به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - قربانعلی دری نجف آبادی

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای احمدعلی سیروس.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۱۶۶۱۴/۱/۴/۴۲ مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۹
استاندارای مازندران

مقدمه: شاکی طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، به موجب ماده ۵۵ قانون شهرداری ها از وظایف شهرداری، حفظ نظافت شهر و تخلیه زباله است و عوارض نوسازی و یا سایر عوارض دیگر که به موجب قانون توسط شهرداری وصول می شود بدین منظور است. از طرف دیگر وضع هر نوع عوارض باید به ترتیب مقرر در بند یک ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری مصوب ۱۳۶۱ و رعایت قانون الحاق یک تبصره به ماده ۵۳ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری مصوب ۱۳۶۴ تحقق یابد. استاندارای مازندران بدون توجه به قوانین مذکور به موجب دستورالعمل شماره ۱۶۶۱۴/۱/۴/۴۲ مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۹ به شهرداری محمود آباد مجوز وصول عوارض به عنوان خدمات زباله از اماکن مسکونی و تجاری و اداری داده است و شهرداری محمودآباد حتی پس از تشکیل شورای اسلامی شهر، کماکان به استناد دستورالعمل و مجوز مذکور مبادرت به وصول عوارض بابت خدمات زباله می نماید. با توجه به مراتب مذکور ابطال بخشنامه استاندارای مازندران جهت اخذ عوارض را دارد. معاون هماهنگی امور عمرانی استاندارای مازندران در پاسخ شکایت مذکور طی نامه شماره ۱۹۳۶۰/۴/۴۲ مورخ ۱۳۷۹/۷/۱۲ اعلام داشته اند، در قانون شهرداری ها، وظیفه ای جهت جمع آوری و حمل و دفع بهداشتی زباله برای شهرداریها پیش بینی نشده است و فقط در تبصره ۴ بند ۲ ماده ۵۵ قانون شهرداری تعیین محل‌های مخصوص برای تخلیه زباله و نخاله های ساختمانی و مواد رسوبی فاضلابها با شهرداری می باشد که باید ضمن انتشار آگهی به اطلاع عموم برسد که رانندگان وسایل نقلیه اعم از کندرو و یا موتورسیکلت مکلفند زباله و فضولات جمع آوری را در محل‌های تعیین شده از طرف شهرداری خالی نمایند ولی استان مازندران به دلیل وضعیت خاص اقلیمی و محدودیت زمین که امکان تهیه زمین برای استفاده مذکور در

نزدیکی شهرها وجود ندارد به منظور حفظ بهداشت عمومی و جلوگیری از آلودگی منابع آب و خاک وظیفه جمع آوری و حمل و دفن زباله ناچاراً به عهده شهرداری ها محول گردیده است که علاوه بر حمل زباله های جمع آوری شده به مسافت طولانی و متحمل شدن هزینه گزاف برای این امر با مشکلات عدیده در مکانیابی و با مسائل اجتماعی مواجه می باشند که با پی گیری های به عمل آمده و تاکیدات دفتر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و ریاست محترم جمهوری معضل زباله و امحاء مواد زائد جامد به صورت ویژه در برنامه های استانی قرار گرفته است. از این رو به منظور جبران بخشی از هزینه هایی که شهرداری با توجه به توضیحات معروضه متحمل می شود، به استناد ماده ۳۰ آیین نامه مالی شهرداری ها و بند ۲۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی نرخ خدمات جمع آوری، حمل و دفن زباله در غیاب شوراهای اسلامی شهر حسب تفویض اختیار وزیر کشور به جانشینی قائم مقامی شورای اسلامی شهر تصویب گردیده است که وصول آن کماکان برای شهرداری ها نافذ خواهد بود. لذا با عنایت به مطالب فوق اعتراض مشارالیه به اخذ مبلغ مذکور تحت عنوان عوارض به دلایل ذکر شده محمل قانونی ندارد و تقاضای رد شکایت شاکی را دارد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام و المسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و روساء و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی: طبق بند یک ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری مصوب ۱۳۶۱/۹/۱ و بند ۲۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۳/۱ تعیین و تصویب عوارض و نرخ خدمات شهرداری در قلمرو جغرافیایی هر شهر بعهده شوراهای اسلامی شهر محول شده و به موجب تبصره الحاقی به ماده ۵۳ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری مصوب ۱۳۶۴/۷/۲۸ تا تشکیل شوراهای اسلامی شهر، وظایف و مسئولیت های شوراهای مذکور به شخص وزیر یا سرپرست وزارت کشور تفویض گردیده است. نظر به اینکه اعمال اختیار مقرر در تبصره الحاقی به ماده ۵۳ قانون به حکم قانونگذار قائم به اشخاص مذکور

در آن تبصره است و تفویض آن به سایر اشخاص و مقامات دولتی از جمله استانداران مستند به حکم و اذن مقنن نیست، بنابراین مصوبه شماره ۱۶۶۱۴/۱/۴/۴۲ مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۹ استانداری مازندران مبنی بر تعیین و تصویب نرخ جمع آوری و حمل و امحاء زباله و وصول آن از اشخاص خارج از حدود اختیارات استانداری تشخیص داده می شود و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - قربانعلی دری نجف آبادی

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: شهرداری نوشهر

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب اول و پنجم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف: ۱- شعبه نهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۹۳۹/۷۷ موضوع شکایت شرکت کارگاههای تولیدی الباقیات و الصالحات به طرفیت شهرداری نوشهر به خواسته اعتراض به رأی کمیسیون به شرح دادنامه شماره ۱۱۱۲ مورخ ۱۳۷۸/۷/۱۸ چنین رأی صادر نموده است، بموجب بند ۲ ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری آراء قطعی کمیسیون های موضوع ماده ۷۷ قانون شهرداری منحصرأ از حیث نقض قوانین و مقررات و یا مخالفت با آنها قابل اعتراض و رسیدگی در دیوان است. نظر به مندرجات لایحه جوابیه و سایر محتویات پرونده و اینکه الزام شاکی به پرداخت عوارض در حد مصوب خلاف قوانین و مقررات نیست، اعتراض نسبت به رأی کمیسیون مزبور در این خصوص رد می شود.

۲- شعبه اول تجدید نظر در رسیدگی به پرونده کلاس ت ۲۳۱۰/۷۸/۱ موضوع تقاضای تجدیدنظر شرکت فرآورده های تولیدی الباقیات و الصالحات به خواسته اعتراض به دادنامه شماره ۱۱۱۲ مورخ ۱۳۷۸/۷/۱۸ شعبه ۹ دیوان به شرح دادنامه شماره ۸۱۰ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳ چنین رأی صادر نموده است، بر کیفیت رسیدگی و اصدار دادنامه شماره ۱۱۱۲ مورخ ۱۳۷۸/۷/۱۸ شعبه ۹ دیوان ایراد و اشکالی به نظر نمی رسد بنابه مجموع مراتب مارالذکر ضمن رد اعتراض تجدیدنظر خواه دادنامه بدوی عیناً تأیید می گردد.

ب - ۱- شعبه اول رسیدگی به پرونده کلاس ۱۸۷۸/۷۷ موضوع شکایت شرکت صنایع چوبکار به طرفیت شهرداری نوشهر به خواسته اعتراض به رأی کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداریها به شرح دادنامه شماره ۲۱۰۴ مورخ ۱۳۷۷/۹/۲۵ چنین رأی صادر نموده است، حسب صراحت مصوبه مورخ ۱۳۶۴/۳/۲۰ استناداری مازندران موضوع وصول ۲٪ عوارض شامل قراردادهای منعقد شده بین پیمانکاران و عاملین فروش چوب و سایر مشتقات آن با جنگلداری به عنوان عوارض چوب می باشد.

اولاً: هیچ دلیلی بر عاملیت شرکت شاکی و پیمانکار بودن آن در ارتباط با فروش چوب ارائه نشده و شرکت مذکور فاقد دو وصف مذکور در مصوبه است.

ثانیاً: در هر مورد لازم است تعداد قراردادها و موضوع آنها و میزان قرارداد طرفین مشخص گردد تا مقدار ۲٪ براساس آن اخذ گردد که در این مورد نیز رأی ناقص و اقدامی از این حیث به عمل نیامده با توجه به مراتب و کلی صادر شدن رأی و ابهام موجود در کلمه مشتقات آن رأی معترض عنه کمیسیون موضوع ماده ۷۷ قانون شهرداریها (شهرداری نوشهر) برخلاف مقررات صادر گردیده و حکم به نقض آن صادر و اعلام می گردد.

۲- شعبه پنجم تجدید نظر در رسیدگی به تقاضای تجدید نظر شرکت صنایع چوبکار به خواسته اعتراض به رأی شماره ۲۱۰۴ مورخ ۱۳۷۷/۹/۲۵ شعبه اول به شرح دادنامه شماره ۸۷ مورخ ۱۳۷۸/۴/۱۳ چنین رأی صادر نموده است، دادنامه تجدید نظر خواسته در حدی که متضمن رسیدگی مجدد در هیأت همعرض می باشد تأیید می گردد.

ج - ۱ - شعبه دهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۷۶۷/۷۷ موضوع شکایت شرکت طوبی شمال به طرفیت شهرداری نوشهر به خواسته اعتراض به رأی کمیسیون ماده ۷۷ به شرح دادنامه شماره ۸۹۶ مورخ ۱۳۷۹/۶/۶ چنین رأی صادر نموده است، حسب مندرجات نامه مورخ ۱۳۷۸/۵/۲ شهرداری نوشهر، محل بهره برداری شرکت خارج از محدوده شهر نوشهر بوده و مرکز اصلی شرکت به موجب مفاد اساسنامه پیوست دادخواست تهران اعلام گردیده است. بنا به مراتب و نظر به اهداف مقنن در رابطه با تأسیس شرکت های صنعتی مصوب ۱۳۶۲/۱۲/۷ که حمایت از شهرکهای صنعتی منظور استفاده مطلوب از امکانات و ارائه خدمات جهت متصدیان مربوط بوده و با توجه به اینکه طبق بند ۶ قانون مذکور پرداخت هر نوع هزینه مربوط به ارائه خدمات عمومی جهت این نوع شهرکها بلامانع بوده و با عنایت به اینکه شهرداری ها بموجب قانون از قلمرو جغرافیایی شرکت های صنعتی خارج و از لحاظ ارائه خدمات عمومی هیچگونه مسئولیت و تکلیف ندارند.

بنا به مراتب مطالبه عوارض از شهرکهای صنعتی به استناد بند یک ماده ۳۵ قانون تشکیلات شورای اسلامی که به منظور تأمین هزینه های خدمات عمومی شهری وضع شده مجوزی ندارد کما اینکه در این رابطه هم دیوان عدالت اداری به شرح رأی شماره ۴۲

مورخ ۱۳۷۰/۴/۲۵ اخذ عوارض موضوع بند یک ماده ۳۵ قانون مزبور به شهرکهای صنعتی اجازه نداده است. بنا به مراتب رأی کمیسیون ماده ۷۷ که دلالت بر الزام به پرداخت عوارض به میزان ۲٪ فروش کالای تولیدی به استناد ماده ۳ قانون مذکور دارد فاقد وجاهت قانونی است و به نقض رأی صادره اعلام نظر می نماید.

۲- شعبه پنجم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ت ۱۴۰۵/۷۹/۵ موضوع تقاضای تجدیدنظر شهرداری نوشهر به خواسته اعتراض به دادنامه شماره ۸۹۶ مورخ ۱۳۷۹/۶/۶ شعبه دهم دیوان به شرح دادنامه شماره ۴۰۳ مورخ ۱۳۸۰/۴/۶ چنین رأی صادر نموده است. نظربه اینکه بر طبق بندیک ماده ۳۵ قانون شورای اسلامی شهر مصوب ۱۳۶۰/۹/۱ از جمله وظایف شورای اسلامی شهر وضع عوارض به منظور تأمین هزینه های شهرداری مصوب ۱۳۶۶/۷/۲۸ مجلس شورای اسلامی با تنفیذ ولی امر می باشد و برابر ماده واحده قانون الحاق یک تبصره به ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی شهر تا تشکیل شورای اسلامی شهر وزیر کشور یا سرپرست وزارت کشور جانشین شورای اسلامی آن شهر در امور مربوط به شهرداری خواهد بود و نظر به اینکه رأی وحدت رویه شماره ۲۵ مورخ ۱۳۷۵/۲/۲۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که در موارد مشابه لازم الاتباع می باشد وضع عوارض از طرف استاندار را به استناد ماده ۳۵ مرقوم و تبصره الحاقی مذکور جایز ندانسته بنابراین استناد کمیسیون ماده ۷۷ به مصوبه استانداری مازندران موجه نبوده لذا با رد تقاضای تجدیدنظر خواه دادنامه شماره ۸۹۶ مورخ ۱۳۷۹/۶/۶ که مفهم مواد فوق است عیناً تأیید و استوار می گردد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام و المسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤساء و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی: طبق ماده واحده قانون تعیین تکلیف عوارض تصویبی شهرداریها مصوب ۱۳۷۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام کلیه عوارض تصویبی شهرداریها که از تاریخ ۱۳۶۱/۹/۱ تا زمان تنفیذ نماینده ولی امر (۱۳۶۶/۱۰/۱۲) برقرار گردیده و به علت نبودن تنفیذ و یا عدم وجود قائم مقامی شورای اسلامی شهر در خلاء قانونی بوده،

تنفیذ شده تلقی گردیده است. بنابراین دادنامه شماره ۸۱۰ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳ شعبه اول تجدیدنظر دیوان مبنی بر تأیید دادنامه شماره ۱۱۱۲ مورخ ۱۳۷۸/۷/۱۸ شعبه نهم بدوی دیوان مشعر بر رد شکایت به خواسته اعتراض به رأی قطعی کمیسیون موضوع ماده ۷۷ قانون شهرداری در حدی که نتیجتاً متضمن این معنی می باشد موافق قانون تشخیص داده می شود. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع ذیربط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - قربانعلی دری نجف آبادی

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای قدرت علیخانی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبه شماره ۱۶۸۷۷/۱/۳/۳۳ مورخ ۱۳۷۵/۹/۲۸ وزیر کشور.

مقدمه: شاکی طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، شهرداری قزوین با تهیه نقشه جدید، حریم قانونی شهر قزوین را به طور قابل ملاحظه ای توسعه داده به طوری که شامل مناطق شهرهای مجاور از جمله بوئین زهرا شده است. حریم جدید شهر را فرماندار سابق قزوین که سمت قائم مقامی شورای اسلامی شهر را نیز داشته تصویب نموده و طی نامه شماره ۱۴۱۱۰/اف مورخ ۱۳۷۴/۱۲/۲۸ جهت تصویب و تأیید به وزارت کشور ارسال نموده، وزیر کشور وقت طی نامه شماره ۱۶۸۷۷/۱/۳/۳۳ مورخ ۱۳۷۵/۹/۲۸ مراتب تصویب و موافقت خود را با حریم جدید به استناد ماده ۹۹ قانون شهرداری به فرماندار قزوین و جانشین و قائم مقام شورای اسلامی شهر قزوین و وزارت کشور مطابق قانون نبوده و حریم قانونی شهر از طریق مذکور قابل توسعه نیست. بدین توضیح که نقشه جامع شهر قزوین در تاریخ ۱۳۶۹/۸/۷ پس از طی مراحل لازم وفق قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مصوب سال ۱۳۵۱ از سوی شورای عالی شهرسازی و معماری که مرکب از ۹ وزیر و رئیس سازمان محیط زیست است تصویب گردیده و به شهرداری قزوین ابلاغ شده و در طرح جامع شهر قزوین حوزه نفوذی یا استحقاقی پیش بینی شده است و توسعه آن به طریق فوق الاشعار خلاف بند ۲ ماده یک آیین نامه مربوط به استفاده از اراضی، احداث بنا و تأسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها مصوب ۱۳۵۵ می باشد. همچنین مورد شکایت مخالف تبصره یک ماده ۴ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲/۴/۱۵ و ماده ۷ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران است. قائم مقام شورای اسلامی شهر قزوین با توجه به مقررات مذکور و وجود طرح جامع صلاحیت پیشنهاد توسعه حریم را نداشته و وزارت کشور نیز خارج از حدود صلاحیت خود اقدام به تصویب و تأیید حریم قانونی شهر قزوین نموده با توجه به مراتب تقاضای ابطال مصوبه مذکور را دارد. شهرداری قزوین در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۸-۴/۶۸۳۹ مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۵ اعلام داشته اند، شاکی اعلان داشته

توسعه حریم شهر قزوین خلاف آیین نامه مربوط به استفاده از اراضی، احداث بنا و تأسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها مصوب ۱۳۵۵/۶/۲۲ هیأت وزیران و خلاف تبصره یک ذیل ماده ۴ ضوابط و تقسیمات کشوری می باشد. این استدلال به هیچ وجه صحیح نمی باشد. آیین نامه استنادی به هیچ وجه در مقام اثبات و نفی حقی به نفع شهرداری نبوده و به عبارتی در مقام اعلان قانونی و یا خلاف قانون بودن اقدامات شهرداری در تصویب حریم شهرها به تصویب نرسیده است. تبصره یک ذیل ماده ۴ قانون تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲/۴/۱۵ نیز در مانحن فیه مصداق ندارد، چراکه شهرداری قزوین از شمول آن خارج و در دایره شمول تبصره ۳ ذیل ماده ۷ قانون تقسیمات کشوری قرار دارد و تصویب حریم مرکز شهرستان و یا استان به ترتیب مندرج در ماده ۹۹ قانون شهرداری صورت می گیرد. ضمن اینکه در ماده ۴ همان قانون در تعریف شهر گفته شده، محلی است با حدود قانونی که در محدوده جغرافیایی بخش واقع شده است در حالی که قزوین در محدوده جغرافیایی بخش نیست و در واقع بخش مرکزی قزوین در محدوده جغرافیایی شهرستان قزوین واقع شده است. طرح جامع با تعریفی که در قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی از آن به عمل آمده عبارت از «طرح بلند مدتی است که در آن نحوه استفاده از اراضی شهری و منطقه بندی مربوط به حوزه مسکونی صنعتی، بازرگانی و ... تسهیلات شهری و نیازمندی های عمومی است ... تعیین می شود» و چیزی که هیچ گونه شک و تردیدی در آن وجود ندارد این است که بررسی و تصویب نهایی طرح های جامع شهری از وظایف شورای عالی شهرسازی و معماری ایران می باشد و حریم شهر و طرح جامع دو مقوله جداگانه هستند با این توضیح که مرجع تصویب نهایی طرح های جامع شهری از وظایف شورای عالی شهرسازی و معماری ایران می باشد و حریم شهر و طرح جامع، دو مقوله جداگانه هستند با این توضیح که مرجع تصویب طرح جامع شورای عالی شهرسازی و معماری می باشد و تصویب حریم شهر براساس ماده ۹۹ قانون شهرداری صورت می گیرد (یعنی تصویب انجمن شهر و تأیید وزارت کشور) که تصویب حریم شهر قزوین نیز به همین ترتیب تنفیذ و تصویب گردیده است حال با توجه به اینکه حریم شهر قزوین مستنداً به ماده ۹۹ قانون شهرداری دارای مصوبه شورای شهر و تنفیذ وزارت کشور می باشد تقاضای رد دعوی مطروحه مورد استدعا است. مدیر کل دفتر امور حقوقی وزارت کشور در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۴۳۹۰/۶۱ مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۰ اعلام داشته اند،

قبل از برگزاری انتخابات شوراهای اسلامی شهر به دلیل انحلال انجمن شهر و بروز خلاء قانونی در این باره قانونگذار در سال ۱۳۶۴ به موجب حکم تبصره ذیل ماده ۵۳ قانون شوراها به وزارت کشور اجازه داد در امور شهرداریها به عنوان جانشین شوراهای شهر اتخاذ تصمیم به عمل آورد و لذا در این مقطع چنانچه وزارت کشور یا استانداریها به عنوان قائم مقامی جانشین شوراها با رعایت ترتیبات و تشریفات مقرر در بند ۲ ماده ۹۹ قانون شهرداری مبادرت به توسعه یا تقلیل محدوده حریم شهری نموده حسب تکلیف محوله عمل نموده و به کیفیتی که شاکی در متن شکوائیه خود منعکس نموده، تخطی از مقررات محسوب نمی گردد و اقدامات به عمل آمده به موجب قانون و حسب تقاضای شهرداری محل صورت پذیرفته و لذا ایراد شاکی در این خصوص به مصوبه قائم مقام شوراها واجد ایراد و فاقد محمل قانونی است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤساء و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی: به موجب تبصره یک ماده ۴ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری نحوه تعیین محدوده جغرافیایی استانها و شهرستانهای کشور و مراجع و مقامات ذیصلاح در تعیین و تصویب محدوده نقاط مذکور مشخص گردیده و چون گسترش حریم هر شهر از طریق ورود به محدوده جغرافیایی شهرستانهای مجاور با مدلول تبصره فوق الذکر منافات دارد، بنابراین مصوبه مورد اعتراض که به قائم مقامی شورای اسلامی شهر و وزارت کشور و با تمسک به ماده ۹۹ قانون شهرداری حدود شهرستان قزوین را با ورود به محدوده شهرستان بوئین زهرا توسعه داده است خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی تشخیص داده می شود و به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - قربانعلی دری نجف آبادی

شماره هـ/۷۹/۲۵۴

۱۳۸۰/۱۱/۱۵

شماره دادنامه: ۳۲۲

تاریخ ۱۳۸۰/۱۰/۹

کلاس پرونده: ۲۵۴/۷۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکی: آقای رضا فلاح کهن

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبه شماره ۱۸۹۵۲/۱/۳/۳۳ مورخ ۱۳۷۵/۱۱/۱۴

مقدمه: شاکی بشرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته اند، استاندار وقت تهران به عنوان قائم مقام شورای اسلامی شهر به استناد بند ۲ ماده ۹۹ قانون شهرداریها، پیشنهاد افزایش و توسعه حریم شهر پیشوا را مطرح و وزیر کشور نیز آن را تصویب می نماید و قسمت اعظم واحدهای تقسیمات کشوری شامل چندین روستا و مزارع و مکانهای مختلف را وارد محدوده شهر کرده است که به دلایل ذیل اقدام موصوف خلاف قانون است، اولاً با تصویب قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲ که به موجب بند یک ماده ۴ آن تعیین محدوده قانونی هر شهر را پس از پیشنهاد شورای شهر به عهده وزارتین کشور و مسکن و شهرسازی قرار داده است به طور ضمنی بند ۲ ماده ۹ قانون شهرداری ها منسوخ شده لذا استناد وزارت کشور در تعیین حریم شهر به بند مذکور صحیح نمی باشد. از جهت دیگر چنانچه وزارت کشور بدون هماهنگی وزارت مسکن و شهرسازی مجاز باشد که محدوده و حریم شهر را به تنهایی تغییر و توسعه دهد دیگر مجالی برای انجام تکالیف قانونی وزارت مسکن نخواهد ماند. بنا به مراتب ابطال مصوبه مورد شکایت را تقاضا می نماید. مدیر کل دفتر امور حقوقی وزارت کشور در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۸۷۳۹۵/۶۱ مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۲۳ اعلام داشته اند، مراجع تصمیم گیری در حکم تبصره یک ماده ۴ قانون تقسیمات کشوری با مراجع تصمیم گیری در حکم بند ۲ ماده ۹۹ قانون شهرداری متفاوت بوده و هر یک در بستر قانونی خود اتخاذ تصمیم می نمایند.

مدیر کل دفتر فنی استانداری تهران نیز در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۷/۱۹۷۴۱۶۶۵ مورخ ۱۳۷۹/۲/۶ اعلام داشته اند:

۱- با تصویب قانون الحاق یک بند و ۳ تبصره به عنوان بند ۳ به ماده ۹۹ قانون شهرداریها و قانون تفسیر قانون مورد اشاره به ترتیب در تاریخ های ۱۳۷۲/۱۲/۱ و ۱۳۷۳/۷/۲۰ می توان دریافت که بندهای ۱ و ۲ ماده ۹۹ قانون شهرداری ها نه تنها به طور ضمنی فسخ نشده است، بلکه در سالهای ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ عدم فسخ آن به صراحت و عملاً توسط

قانونگذار مورد تأیید و ابرام قرار گرفته است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام و المسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤساء و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی: به موجب تبصره یک ماده ۴ قانون تعاریف و تقسیمات کشوری تعیین محدوده شهری به پیشنهاد شورای شهر و تصویب وزارتین کشور و مسکن و شهرسازی محول شده است. نظر به اینکه گسترش حریم شهرها در محدوده جغرافیایی مجاز فی حد ذاته متضمن تعیین محدوده شهری می باشد، بنابراین مصوبه وزارت کشور مشعر به توسعه محدوده شهر پیشوا که بدون رعایت تشریفات و ترتیب مقرر در تبصره مذکور تنظیم شده است مغایر قانون تشخیص داده می شود و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - قربانعلی دری نجف آبادی

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکی: آقای حجت سامره ای

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند (ب) ماده (۷) آیین دادرسی دیوان عدالت اداری
مقدمه: شاکی طی شکایتنامه تقدیمی اعلام داشته است، طبق ماده ۳۴ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ «در مورد وکالتنامه های تنظیمی در ایران وکیل می تواند ذیل وکالتنامه تأیید کند که وکالتنامه را موکل شخصاً در حضور او امضاء یا مهر کرده یا انگشت زده است.» از طرفی آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب قوه قضائیه که در تاریخ ۱۳۷۹/۳/۳ منتشر شده است، این آیین دادرسی در بند (ب) ماده (۷) مشعر است بر اینکه «چنانچه وکیل از وکلای رسمی دادگستری باشد امضاء یا اثر انگشت موکل در ذیل وکالتنامه باید به گواهی یکی از مراجع مندرج در ذیل ماده یک (دفتر یکی از دادگاه ها یا دفتر اسناد رسمی یا شورای محلی یا یکی از ادارات دولتی یا نهادهای انقلابی و در مورد افراد مقیم خارج از کشور به وسیله مأمورین کنسولی جمهوری اسلامی ایران) برسد.» نظر به اینکه قانون برای احراز امر وکالت گواهی وکیل را کافی دانسته است و آیین دادرسی دیوان رعایت قانون را در این خصوص ننموده است، بنا به مراتب درخواست طرح موضوع در هیأت عمومی دیوان و ابطال بند (ب) ماده (۷) آیین دادرسی دیوان را دارد. اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۷/۷۵۸۹/۱۴۷۷ مورخ ۱۳۸۰/۸/۲۷ اعلام داشته اند، تصویب مراتب خاصی در بند (ب) ماده (۷) آیین دادرسی دیوان عدالت اداری معارض با ماده ۳۴ قانون آیین دادرسی مدنی بوده و به رویه و انتظام قواعد دادرسی خدشه وارد می کند. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤساء و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اتفاق آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی: نظر به ماده ۳۴ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ در باب جواز تأیید امضاء یا مهر یا اثر انگشت موکل ذیل وکالتنامه های تنظیم شده در ایران توسط وکیل دادگستری و لزوم رعایت قواعد و اصول مسلم آیین دادرسی در کلیه مراجع قضایی

در مواردی که تکلیف موضوع به حکم قانونگذار معین و مشخص شده است، بند ب ماده ۷ آیین دادرسی دیوان که مقرر داشته ، چنانچه وکیل از وکلای رسمی دادگستری باشد، امضاء یا اثر انگشت موکل در ذیل وکالتنامه باید به گواهی یکی از مراجع مندرج در ذیل ماده یک آیین دادرسی مزبور برسد، خلاف قانون تشخیص داده می شود و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - دری نجف آبادی

شماره هـ/۸۰/۶۵

۱۳۸۰/۱۱/۲۱

شماره دادنامه: ۳۳۵

تاریخ ۱۳۸۰/۱۰/۲۳

کلاس پرونده: ۶۵/۸۰

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای حسن خانجانی موقر

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تصویب نامه های شماره ۵۹۴۶۸/ت ۲۰۵۲۹ هـ مورخ ۱۳۷۷/۹/۱۷ و ۶۴۳۴۱/ت ۱۷۱۷۹ هـ مورخ ۱۳۷۷/۱۰/۱۴ و ۶۴۲۰۰/ت ۱۷۱۷۹ هـ مورخ ۱۳۷۷/۱۰/۱۴ هیئت وزیران.

مقدمه: شاکی طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، هیأت وزیران در تاریخ ۱۳۷۷/۹/۸ با وضع تصویب نامه های شماره ۵۹۴۶۸/ت ۲۰۵۲۹ هـ مورخ ۱۳۷۷/۹/۱۷ به نقض اصل ۱۳۸ قانون اساسی و تجاوز از حدود اختیارات قوه مجریه نموده، بدین نحو که مقرر داشته، به منظور بررسی مسایل و مشکلات و ارائه راهکارهای مناسب و فراهم ساختن امکانات لازم برای برگزاری انتخابات شوراها و اصلاحات لازم در آیین نامه قانون انتخابات شوراها شهر و روستا کمیسیونی به مسئولیت وزیر کشور و مرکب از وزرای جهاد سازندگی، اطلاعات، آموزش و پرورش، راه و ترابری، فرهنگ و آموزش عالی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و رؤسای سازمانهای برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور و معاونت حقوقی و امور مجلس رئیس جمهور تشکیل می شود و وظایف و اختیارات هیأت وزیران در مواردی که آیین نامه های یادشده نیاز به تصویب هیأت دولت دارد به کمیسیون فوق محول و ملاک تصمیم گیری کمیسیون نیز موافقت اکثریت اعضای حاضر تعیین گردیده است. در حالی که هیأت وزیران بموجب صریح اصل ۱۳۸ قانون اساسی، فقط حق تفویض اختیار به کمیسیون های متشکل از چند وزیر را دارد و عضویت و تصمیم گیری رؤسای سازمانها یا معاونان رئیس جمهوری که فاقد مسئولیت سیاسی در برابر مجلس هستند و در کمیسیون های مزبور، مغایر با قانون اساسی می باشد. لذا بنا به مراتب فوق اقدام دولت نقض اصل ۱۳۸ قانون اساسی و تجاوز از حدود اختیارات قانونی قوه مجریه بوده مستنداً به اصول ۱۳۸، ۱۷۰ و ۱۷۳ قانون اساسی و ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری تقاضای ابطال مصوبات مورد شکایت را دارد. معاون دفتر امور حقوقی

دولت در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۲۶۶۹۲ مورخ ۱۳/۸/۱۳۸۰ اعلام داشته اند :

۱- همانگونه که عنایت دارند بموجب اصل (۱۲۷) قانون اساسی مقرر شده است، اصل ۱۲۷ رئیس جمهور می تواند در موارد خاص، بر حسب ضرورت با تصویب هیأت وزیران نماینده یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخصی تعیین نماید. در این موارد تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیأت وزیران خواهد بود. علیهذا تصویب نامه شماره ۵۹۴۶۸/ت/۲۰۵۲۹ هـ مورخ ۱۳۷۷/۹/۱۷ به استناد این اصل تنظیم و ۶ نفر از وزراء و سه نفر از معاونین رئیس جمهور به عنوان نمایندگان ویژه تعیین شده اند. و مطابق قسمت اخیر اصل (۱۲۷) قانون اساسی، تصمیمات نمایندگان ویژه در حکم تصمیمات دولت است. بنابراین همانگونه که عنایت می فرمایند اختیار تصمیم گیری در حکم تصمیمات دولت مختص و منحصر به کمیسیون های اصل (۱۳۸) قانون اساسی نبوده و نمایندگان ویژه موضوع اصل (۱۲۷) نیز می توانند تصمیماتی در حکم تصمیمات دولت اتخاذ نمایند. با توجه به مراتب فوق ایرادی به مصوبه اخیرالذکر و به تبع آن به دو فقره مصوبه مورد نظر مترتب نمی باشد. مضافاً اینکه اکثریت نمایندگان ویژه در مصوبه یادشده مرکب از وزراء می باشند .

۲- در زمان صدور تصویب نامه های مورد ایراد، تفسیری از سوی شورا مبنی بر عدم امکان تصمیم گیری نمایندگان ویژه بجای دولت در مورد آیین نامه ها صادر نشده است هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء بشرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی: به موجب ماده ۹۴ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی، تهیه آیین نامه های اجرایی این قانون به وزارت کشور و تصویب آنها بعهده هیأت وزیران محول شده و طبق اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تفویض مسئولیت تصویب

برخی از امور مربوط به وظایف دولت از جمله وضع مقررات دولتی به کمیسیونهایی منحصرأً متشکل از چند وزیر تجویز گردیده است بنابراین مشارکت معاونان ریاست جمهوری در کمیسیون مذکور به عنوان اعضاء تصویب کننده آیین نامه اجرایی قانون، با تمسک به اصل ۱۲۷ قانون اساسی که ناظر به تعیین نماینده در موارد خاص و منصرف از وضع مقررات دولتی می باشد، مغایر قانون تشخیص داده می شود و مصوبات مورد اعتراض مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد. توضیح این نکته نیز لازم است، که محدوده اصل ۱۳۸ شامل تصویب نامه ها و آیین نامه ها و اساسنامه ها و در هر صورت مصوبات هیأت محترم وزیران می باشد و محدوده اصل ۱۲۷ شامل حال تصمیمات نماینده یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص و معین می باشد و محدوده دو اصل کاملاً متفاوت بوده و نظریه تفسیری مورخ ۱۳۷۹/۵/۴ شورای نگهبان نیز مطلب فوق را تأیید می نماید.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - قربانعلی دری نجف آبادی

شماره ۳۴۲/۷۹ و ۴۱۳ و ۲۴۰/۸۰ و ۲۵۳ و ۳۸۵ و ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ شماره دادنامه: ۳۵۴ الی ۳۵۸
تاریخ ۱۳۸۰/۱۱/۱۴ کلاسه پرونده: ۳۴۲/۷۹ و ۴۱۳ و ۲۴۰/۸۰ و ۲۵۳ و ۳۸۵

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: ۱- فریدون سلیمانی دودران ۲- آقای حسین موسی زاده ۳- آقای فروزش عضو شورای اسلامی شهر تهران ۴- آقای صادق شریفی ۵- سعید علیخانی و غیره

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۸۰/۷۹۰۱۳۸۳۱ مورخ ۱۳۷۹/۷/۲۵ معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران.

مقدمه: شکایت طی دادخواستهای تقدیمی اعلام داشته اند، ماده صد قانون شهرداری و تبصره های آن حکم بناهای مازاد بر تراکم یا تغییر نوع استفاده از بنا یا سایر موارد را از لحاظ نحوه رسیدگی، تعیین جریمه، میزان و نحوه وصول آن معین کرده است. به صراحت تبصره های ۱، ۲، ۳ و ۴ ماده مزبور بعد از اتخاذ تصمیم توسط کمیسیون موضوع تبصره یک آن ماده، شهرداری مکلف به وصول جریمه براساس نظر کمیسیون می باشد. لیکن معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران بدون وجود اختیار قانونی اقدام به صدور بخشنامه مورد شکایت نموده و در آن قید کرده که «علاوه بر جریمه کمیسیون ماده صد، دریافت عوارض متعلقه (زیربنا، پذیره، اضافه تراکم و تغییر کاربری حسب مورد) نسبت به بنای خلاف نیز الزامی است.» با توجه به اینکه این بخشنامه شماره ۸۰/۷۹۰۱۳۸۳۱ مورخ ۱۳۷۹/۷/۲۵ معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران مخالف صریح ماده صد قانون شهرداری و تبصره های آن و بند یک ماده ۳۵ قانون تشکیلات شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۱ بوده و اینکه هیچ وجهی از مردم نمی توان گرفت مگر به موجب قانون و در مانحن فیه قانون شهرداری صریحاً شهرداری را مکلف به وصول جریمه براساس نظر کمیسیون ماده صد نموده است. بنا به مراتب به نظر می رسد بخشنامه فوق الذکر فاقد وجهه قانونی و خارج از حیطه اختیارات قوه مجریه بوده عدول شهرداری تهران از موازین قانونی می باشد. لذا صدور حکم بر ابطال آن مورد تقاضا است مدیر کل حقوقی شهرداری تهران در پاسخ به شکایات مذکور طی نامه های شماره ۱۳۸۰/۱۰/۲۲-۳۱۷/۲۴۹۴۴ و ۱۳۸۰/۱۰/۲۹-۳۱۷/۲۵۸۷۵ و ۱۳۸۰/۱۰/۳۰-۳۱۷/۱۷۳۸۵ و ۱۳۸۰/۱۰/۳۰-۳۱۷/۲۴۵۳۴ اعلام داشته اند، بموجب بخشنامه

مورد اعتراض شهرداری ها مکلف گردیده اند که در خصوص ساختمانی که به دلیل احداث بنای مازاد بر تراکم یا تغییر نوع استفاده از بنا در کمیسیون های ماده صد مطرح گردیده اند، در صورت صدور رأی قطعی مبنی بر ابقا بناء علاوه بر جریمه کمیسیون ماده صد، عوارض متعلقه را (اعم از زیربنا، پذیره، اضافه تراکم و تغییر کاربری) حسب مورد نسبت به بنای خلاف دریافت نمایند. بموجب ماده ۲۹ آیین نامه مالی شهرداریها، عوارض وجوهی هستند جزء منابع درآمدهای شهرداریها که وضع آن طبق بند ۲۶ ماده ۵۵ قانون شهرداری، بند ۱۶ ماده ۷۱ و ماده ۷۷ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور مصوب ۱۳۷۵ بنا به پیشنهاد شهرداری و با تصویب شورای اسلامی شهر صورت می گیرد و بر حسب مورد طبق ضوابط مقرر در مصوبه و دستورالعمل مربوطه، عوارض مصوبه رأساً توسط شهرداری محاسبه، مطالبه و وصول می گردد.

عناوین عوارض و جریمه از نظر مبنای قانونی، مرجع تعیین و وصول و مرجع حل اختلاف و تبعات ناشی از عدم پرداخت آنها متفاوت از یکدیگر بوده لذا جریمه تخلفات ساختمانی به هیچ وجه شامل عوارض نمی گردد و پرداخت یکی از این دو موجب معافیت از پرداخت دیگری نخواهد بود و احتساب عنوان جریمه به جای مجموع عوارض و جریمه یقیناً به نفع متخلف و فراهم آمدن موجبات تشویق به ارتکاب تخلف خواهد بود. لذا نظر به اینکه بنا به مراتب فوق قبول نظر شکات به دلیل ایجاد اختلال در نظم قوانین و مقررات مربوط به شهرداری در خصوص لزوم رعایت مقررات مربوط به احداث بنا متضمن نتیجه ای غیر منطقی و خلاف اصول و موازین مورد نظر قانونگذار خواهد بود و باعنایت به اینکه وصول عوارض موضوع بخشنامه مورد اعتراض نیز دقیقاً منطبق با مبانی و اصولی قانونی می باشد، بنابراین اعتراض شاکی و خواسته ایشان دایر بر ابطال بخشنامه یادشده به دلیل عدم اتکاء بر دلایل موجه و قانونی محکوم به رد بوده و تقاضای صدور حکم به رد شکایت مطروحه را دارد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام و المسلمین دری نجف آبادی و با حضور روسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی انجام مشاوره با اکثریت آراء بشرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی: نظر به اینکه وضع قاعده آمره در باب اخذ هرگروه وجه از جمله عوارض شهرداری و جرایم تخلفات ساختمانی به قوه مقننه اختصاص دارد و قانونگذار در زمینه مرجع تعیین عوارض مذکور و کیفیت احتساب جرایم تخلفات ساختمانی و وصول آنها تعیین تکلیف کرده است، بنابراین مفاد بخشنامه شماره ۸۰/۷۹۰۱۳۸۳۱ مورخ ۱۳۷۹/۷/۲۵ که متضمن وضع قاعده آمره در خصوص وصول عوارض زیربنا، پذیره، اضافه تراکم و تغییر کاربری علاوه بر جرایم تخلفات ساختمانی می باشد، خارج از حدود اختیارات قانونی معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران تشخیص داده می شود و بخشنامه مزبور مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - قربانعلی دری نجف آبادی

شماره هـ/۷۷/۴۰۶

۱۳۸۱/۱۱/۱۴

شماره دادنامه: ۳۷۶

تاریخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۸

کلاس پرونده: ۴۰۶/۷۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: اتحادیه صنف فخاریزد

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبه شماره ۱۸۳۵/۳۴/۱ مورخ ۱۳۶۶/۲/۹ وزارت کشور

در خصوص ۱۰٪ عوارض تولید فخاریها.

مقدمه: شاکی طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، مصوبه شماره ۱۸۳۵/۳۴/۱ مورخ

۱۳۶۶/۲/۹ وزارت کشور استنادی شهرداری یزد در خصوص ۱۰٪ عوارض تولید

فخاریها برخلاف موازین شرع و قانون می باشد. بند یک ماده ۳۵ قانون تشکیلات

شوراهای اسلامی کشوری مصوب ۱۳۶۱/۹/۱ در خصوص نحوه تعیین عوارض از طرف

شورای شهر مقرر داشته (مادامی که درآمدهای پیش بینی شده کافی نباشد شورای شهر

می تواند با تنفیذ ولی امر برای تأمین هزینه شهرداری عوارض متناسب با امکانات

اقتصادی محل و خدمات ارائه شده تعیین نماید.) تبصره ذیل بند ۸ ماده ۴۵ قانون

شهرداری مقرر داشته (وضع عوارض هر شهر نباید تأثیر سوئی در اقتصاد عمومی کشور

و رواج صادرات و نشو و نمای داخلی داشته باشد.) نماینده ولی امر مسلمین در تنفیذ

تعرفه عوارض پیشنهادی شهرداری های استان یزد چنین مرقوم فرموده اند (با ملاحظه

جهات مذکور با در نظر گرفتن اینکه اثر تورمی نداشته باشد بلاشکال است.) همانگونه

که مستحضرید طبق موازین شرعی می بایستی تمامی جوانب مسئله مورد استفتاء به مرحل

عمل و اجراء گذاشته شود.

متأسفانه به اصل مسئله که همان عدم تأثیر در تورم بوده توجه ننموده اند. کارشناسان و

متخصصان علوم اقتصادی - اجتماعی - صنعتی در مجموعه وزارتخانه های صنایع و معادن

بازرگانی و سازمان برنامه و مدیریت کشور که صاحب نظر و مرجع صالح و قانونی و

عرفی در دولت می باشند همه متفق القول هستند که میزان عوارض مورد درخواست

شهرداری از صنف فخار برای تولیدات آجر به مأخذ ۱۰٪ تورم زا بوده و بر اقتصاد

کشور تأثیر نامطلوب داشته و موجب رکود اقتصادی، ایجاد بحران در صنعت ساختمان و

ایجاد بیکاری در جامعه می گردد. نتیجه اینکه پاسخ حضرت آیت اله موسوی اردبیلی به

وزیر کشور از همان ابتدا از سوی وزارت کشور و شهرداری تحقق نیافته بود، لذا عمل

تنفیذ شرعاً و قانوناً محقق نگردیده است با عنایت به مراتب تقاضای ابطال مصوبه مورد شکایت را دارد.

شهرداری یزد در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۲۳۰/۲۷۶۲ مورخ ۱۳۷۸/۲/۱۵ اعلام داشته اند، تعرفه مورد شکایت بر اساس بند یک ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری مصوب ۱۳۶۱/۹/۱ مجلس شورای اسلامی تصویب و مورد تنفیذ ولی امر مسلمین قرار گرفته و طی ردیف ۳۸۰ تعرفه شماره ۱۸۳۵/۳۴/۱ مورخ ۱۳۶۶/۲/۹ وزارت کشور جهت اجراء ابلاغ گردیده است دبیر محترم شورای نگهبان در خصوص ادعای خلاف شرع بودن مصوبه مورد شکایت طی نامه شماره ۲۸۶۸/۲۱/۸۰ مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۲ اعلام داشته اند، موضوع خلاف شرع بودن مصوبه شماره ۱۸۳۵/۳۴/۱ مورخ ۱۳۶۶/۲/۹ وزارت کشور از طرف اتحادیه صنف فخار یزد در جلسه مورخ ۱۳۸۰/۹/۲۹ فقهای شورای نگهبان مطرح شد که نظر فقهاء به شرح زیر اعلام می گردد «چون تأیید نماینده ولی امر منوط به این است که عوارض ۱۰٪ مذکور اثر تورمی نداشته باشد، بنابراین اگر به نظر کارشناسان اخذ عوارض ۱۰٪ اثر تورمی داشته باشد، اخذ آن خلاف شرع است هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی: به موجب نظریه مورخ ۱۳۸۰/۹/۲۹ فقهای محترم شورای نگهبان اخذ عوارض از فخاریها به میزان ۱۰٪ بر مبنای تولید به شرط اینکه به نظر کارشناسان دارای اثر تورمی باشد، خلاف شرع است. که چون مفاد نامه شماره ۱۰۱۶۴۱۳ مورخ ۱۳۷۹/۹/۲۱ وزراء صنایع و بازرگانی براساس نظریه کارشناسان کمیسیون تبصره ذیل ماده ۱۱ آیین نامه اجرایی مربوط و همچنین دستور ریاست جمهوری در خصوص تسریع در کاهش میزان عوارض مذکور مفید تأیید آثار تورمی عوارض فخاریها به میزان ۱۰ درصد و در نتیجه متضمن حصول شرط مندرج در نظریه فقهای محترم شورای نگهبان است، بنابراین بند ۳۸۰ مصوبه شماره ۱۸۳۵/۳۴/۱ مورخ ۱۳۶۶/۲/۹ وزارت کشور به استناد قسمت اول ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - قربانعلی دری نجف آبادی

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای رضا فلاح کهن، آقای سید غلامرضا سیدهاشمی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال و حذف عبارت «حوزه شهری» از قسمت خ ۱۳ ردیف مصوبه

شماره ۱/۳/۳۴/۴۴۱۰ مورخ ۱۳۶۶/۳/۲۶ وزارت کشور.

مقدمه: شکایت طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته اند، شهرداری های استان خراسان به

استناد مصوبه وزارت کشور به شماره ۱/۳/۳۴/۴۴۱۰ مورخ ۱۳۶۶/۳/۲۶ اقدام به مطالبه

عوارض از واحدهای تولیدی مستقر در خارج از محدوده قانونی و حریم استحضایی

می نمایند که به دلایل ذیل الذکر مصوبه مذکور خلاف قانون می باشد.

۱- وزیر کشور یا استاندار به قائم مقامی از شورای اسلامی شهر حق تعیین عوارض بطور

کلی برای تمام شهرهای یک استان را نداشته است چرا که بند یک ماده ۳۵ مصرح است

به اینکه عوارض پیشنهادی باید متناسب با وضعیت اقتصادی و خدمات ارائه شده در هر

شهر باشد و اخذ عوارض به میزان واحد از شهرهای محروم و غیر محروم موجب

تبعیض می شود.

۲- ثانیاً بموجب تبصره یک ماده ۴ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب

۱۳۶۲/۴/۱۵ تعیین محدوده شهری به پیشنهاد شورای شهر و تصویب وزارتین کشور و

مسکن و شهرسازی خواهد بود. بنابراین قید عبارت حوزه شهری در ردیف خ ۱۳ تعرفه

عوارض مربوط به شهرداری های استان خراسان خلاف قانون و خارج از اختیارات وزیر

کشور یا استاندار به عنوان قائم مقام شورای اسلامی شهر و وزارت کشور و مالاً تنفیذ

آن نیز از سوی رئیس وقت قوه قضاییه بلاجواز بوده است. بنا به مراتب از آنجایی که

مدلول بخشنامه های اجرایی مصوبات قانونی علی الاصول باید متضمن مفاد کامل مصوبه

به ویژه از حیث موارد اوصاف و شرایط مورد نظر مندرج در آن باشد تا زمینه توسعه با

تضییق قلمرو آن از حیث مصایق فراهم نشود، لذا قید عبارت حوزه شهری در مصوبه

مورد شکایت موجب دخل و تصرف در مصوبه مرجع قانونی صلاحیتدار و از مقوله وضع

مقررات در باب عوارض توسط مرجع غیر صالح می باشد. لذا تقاضای ابطال آن را دارم.

سرپرست دفتر حقوقی وزارت کشور در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره

۸۹۵۹۵/۶۱ مورخ ۱۳۸۰/۹/۱۲ مبادرت به ارسال تصویر نامه شماره ۶۹۳۸۶/۴۲

مورخ ۱۳۷۹/۹/۲۴ دفتر امور شهری و روستایی استانداری خراسان نموده است. در این نامه آمده است، در ردیف ۳۸۸ خ ۱۳ تعرفه مورد نظر با توجه به امکانات اقتصادی محل و ضرورت تأمین قسمتی از درآمدهای هر شهرداری، مقرر گردیده از کارخانجات واقع در حوزه شهری هر شهر عوارض وصول شود.

۳- حوزه شهری طبق مفاد تبصره ۴ ماده ۴ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲/۴/۱۵ به کلیه نقاطی اطلاق می شود که در داخل و خارج از محدوده قانونی شهر قرار داشته و از حدود ثبتی و عرفی واحدی تبعیت کنند. بنابراین عوارض مذکور در حوزه شهری قابل وصول بوده که بنا به تعریف فوق فراتر و وسیع تر از محدوده شهری می باشد، هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی: قانونگذار در مقام تأمین بخشی از هزینه های مربوط به انجام وظایف مقرر در ماده ۵۵ قانون شهرداری از جمله ارائه خدمات عمومی در قلمرو جغرافیایی شهر وضع و وصول عوارض را با رعایت شرایط قانونی تجویز کرده است. نظر به اینکه شهرداری تکلیفی در ارائه خدمات عمومی در خارج از محدوده قانونی شهر ندارد، بنابراین تمسک به تبصره ۴ ماده ۴ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری که در مقام تعریف حوزه شهری براساس نقاط تابع حوزه ثبتی و عرفی واحد وضع شده است و مطالبه عوارض از کارخانجات واقع در خارج از محدوده قانونی شهر خلاف هدف و حکم مقنن در باب وضع و وصول و مصرف عوارض و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی است بدین جهت ردیف خ ۱۳ از بند ۳۸۸ مصوبه شماره ۱/۳/۳۴/۴۴۱۰ مورخ ۱۳۶۶/۳/۲۶ وزارت کشور که با استفاده از عبارت «حوزه شهری» موجب توسیع دایره شمول قانون گردیده است به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - قربانعلی دری نجف آبادی

شماره هـ/۷۸/۴۱۵

۱۳۸۱/۳/۱۱

شماره دادنامه: ۶۰

تاریخ ۱۳۸۱/۲/۲۴

کلاس پرونده: ۴۱۵/۷۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکی: آقای محمدرضا بیابانی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۴/۹۲۳۴ مورخ ۱۳۷۸/۸/۹ معاون امور عمرانی استانداری کرمان

مقدمه: شاکی طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، استانداری کرمان برخلاف ضوابط و مقررات مبادرت به اخذ عوارض حمل پسته به میزان ۱۵۰ ریال بدون رعایت ضوابط و قوانین جاری کشور نموده است از تاریخ تصویب قانون تشکیلات شوراهای اسلامی، شهرداری ها و استانداری ها و حتی وزارت کشور نمی توانسته است به عنوان قائم مقامی شورای شهر اخذ تصمیم نماید. همچنین به موجب ماده ۱۸ قانون صادرات و واردات با توجه به قانون لغو عوارض دروازه ای و به استناد ماده ۵۵ بند ۲۶ تبصره ۲ قوانین و مقررات شهرداری که کالاهای عبوری که از شهرها برای مقصد معینی حمل می شود را از پرداخت هرگونه عوارض به شهرداری ها عرض راه معاف داشته و قوانین بودجه تقاضای صدور حکم بر ابطال مصوبه مورد شکایت را دارم. سرپرست دفتر امور شهری و روستایی استانداری کرمان در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۴۲/۴۴/۶۲ مورخ ۱۳۷۹/۵/۳۰ اعلام داشته اند، تعرفه عوارض شهرداری های استان کرمان به استناد نامه شماره ۶۰۹۰/۱/۳/۳۴ مورخ ۱۳۶۶/۴/۲۲ وزیر کشور به تنفیذ نماینده ولی امر رسیده است و برابر ردیف ۱۳ ک تعرفه مذکور عوارض حمل بارهای عمده پسته و خرما بر مبنای نیم درصد بهای فروش برای هر کیلو قابل وصول می باشد. بر طبق نامه های ۱۷۳۱/۳/۳۴/۱/۶۰۴۰ مورخ ۱۳۷۵/۴/۲۳ وزیر کشور و شماره ۷۰۴۶/الف مورخ ۱۳۷۵/۵/۳۰ معاون حقوقی و امور مجلس رئیس جمهور عوارضی که به استناد بند (۱) ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور وضع شده کماکان لازم الاجراء است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام و المسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی: نظر به اینکه وصول عوارض حمل بارهای عمده پسته و خرما به میزان نیم درصد بهای فروش هر کیلو (حداکثر ۳ ریال) به شرط حمل آنها از مبداء شهرهای مشمول عوارض بند مذکور به تجویز بند یک ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری به تأیید و تنفیذ نماینده محترم ولی فقیه رسیده و در نتیجه در این خصوص از طرف مرجع و مقام صلاحیتدار قانونی تعیین تکلیف شده است و اتخاذ تصمیم در این زمینه در صلاحیت استانداری کرمان قرار ندارد، بنابراین بخشنامه شماره ۴/۹۲۳۴ مورخ ۱۳۷۸/۸/۹ معاون امور عمرانی استانداری کرمان حاوی تعیین تکلیف نسبت به عوارض حمل پسته خارج از حدود اختیارات قانونی مربوط تشخیص داده می شود و به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - قربانعلی دری نجف آبادی

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکی: شرکت آب و فاضلاب روستایی خوزستان.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال دستورالعمل شماره ۲۳۶۷/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۷۸/۲/۱۸ وزیر نیرو و مقدمه: شاکی طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، ۱- شرکت آب و فاضلاب روستایی استان بموجب قانون مصوب سال ۱۳۷۴ از اوایل سال ۱۳۷۷ در استان خوزستان تشکیل و راه اندازی گردید. ۲- منبع تأمین آب تعدادی از روستاهای استان از جمله روستاهای دارخوین - شادگان از خطوط انتقال شرکت بهره برداری تولید و انتقال آب جنوب شرق وابسته به سازمان آب و برق خوزستان می باشد. ۳- به موجب تبصره ۱۹ بند ج قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی مبلغ تعرفه آب بهاء در طول سالهای اجرای برنامه (۱۳۷۴-۱۳۷۸) برای مصارف بیش از ۴۵ متر مکعب هر سال حداکثر ۳۰٪ قابل افزایش بر مبنای قیمت پایه سال ۱۳۷۳ می باشد. ۴- با توجه به قراردادهای منعقد شده مربوط به سالهای قبل، میزان آب بهاء در سال ۱۳۷۳ برای هر مترمکعب ۱۲ ریال تعیین شده است که براین اساس و با توجه به لحاظ نمودن افزایش سالانه حداکثر ۳۰٪ طبق قانون برنامه دوم، حداکثر تعرفه آب بهاء در سال ۱۳۷۷-۲۷/۳۴ ریال و برای سال ۱۳۷۸-۵۵/۴۴ ریال به ازای هر مترمکعب خواهد بود. ۵- وزیر نیرو طی دستورالعملی به شماره ۲۳۶۷/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۷۸/۲/۱۸ تعرفه آب شرب جهت مصارف صنعتی، تجاری و خانگی را اعلام و ابلاغ نمود. در بند ۸ دستورالعمل مذکور تعرفه آب تصفیه نشده خط انتقال دارخوین ۸۶ ریال تعیین شده است که متأسفانه برخلاف صریح بند ج تبصره ۱۹ قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه افزایش غیرقانونی اعمال شده است. بنا به مراتب ابطال دستورالعمل مذکور مورد تقاضا است. مدیر کل دفتر حقوقی وزارت نیرو در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۱۱۸۴۴/۴۱۰ مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۲۷ اعلام داشته اند، ۱- براساس ماده یک قانون تشکیل شرکت های آب و فاضلاب روستایی وظیفه نگهداری، بهره برداری، ایجاد تأسیسات مربوط به آب آشامیدنی روستاها، ... و دفع بهداشتی فاضلاب به عهده شرکت های آب و فاضلاب روستایی می باشد و در ماده ۵ اساسنامه این شرکتها وظیفه مطالعه و ایجاد تأسیسات مربوط به تأمین و انتقال و توزیع آب آشامیدنی روستایی و ... به عهده این شرکتها است و استفاده از آب استحصالی وزارت نیرو و

طرح ادعای واهی بلاجهت بوده و موجه نیست. ۲- جوء ۲ بند ج تبصره ۲۱ قانون برنامه دوم در خصوص فروش آب شرب خانگی می باشد و فروش آب شرب خانگی فقط در شهرها در چهارچوب وظایف وزارت نیرو و شرکت های آب و فاضلاب شهری می باشد و این بند ناظر به فروش آب به مصرف کنندگان است نه اشخاصی که مصرف کننده آب نیستند و اساساً این تبصره و به خصوص بند مذکور ارتباطی به آب روستایی و شرکت های آب و فاضلاب روستایی که پس از تصویب قانون برنامه دوم تشکیل گردیده اند ندارد و تلاش شاکی جهت شمول تبصره ۲۱ قانون برنامه دوم به خود فاقد وجهت می باشد. ۳- به موجب دستورالعمل مورد شکایت وزیر نیرو به منظور شفافیت و تعیین روابط و نوع همکاری شرکت های آب منطقه ای و آب و فاضلاب شهری که زیر نظر این وزارت می باشند مواردی را پیش بینی نموده اند و همانگونه که در صدر و ذیل جداول دستورالعمل ملاحظه می فرمایید مبالغ تعیین شده توسط وزیر نیرو براساس نوع منابع آبی به معاونت آب و معاونت آب و فاضلاب شهری ابلاغ گردیده و این مبالغ نرخ فروش آب به مصرف کنندگان نمی باشد و بهای فروش آب به مصرف کنندگان شهری براساس تعرفه های مصوب قانونی و در نظر گرفتن سایر مؤلفه ها صورت می پذیرد که ارتباط قطعی و مستقیم با ارقام مندرج در جداول ندارد و بنابراین دستورالعمل داخلی وزارت نیرو ارتباطی به سایر دستگاه ها و شرکت های آب و فاضلاب روستایی ندارد و این شرکت ها تابع وزارت جهاد کشاورزی بوده و از بخشنامه و مقررات وزارت مذکور تبعیت می نمایند. ۴- همانگونه که در بند ج ماده ۱۳۳ قانون برنامه نیز ملاحظه می فرمایند تعرفه آب بها و حق انشعاب و . . . به ترتیبی که مقنن مقرر نموده تعیین می گردد و این قیمت ها فقط شامل آب و فاضلاب شهرها است و همانگونه که از صراحت ماده و عنوان وزارت نیرو احراز می گردد آب و فاضلاب روستاها مشمول این ماده نیستند. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از استماع توضیحات نماینده وزارت نیرو نماینده حقوقی شاکی و بحث و بررسی انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی: به موجب شق ۲ از بند ج تبصره ۱۹ ماده واحده قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تعرفه بهای آب شرب خانگی

تعیین شده و در بند ج ماده ۱۳۳ قانون برنامه پنج ساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی تصریح گردیده است که تعرفه های آب بهاء حق انشعاب و هزینه دفع فاضلاب، در چهارچوب ضوابط و سقف مصوب شورای اقتصادی و با پیشنهاد شرکت آب و فاضلاب و تصویب شورای اسلامی شهر تعیین می گردد. شهرهای جدید فاقد شورای اسلامی شهر مشمول تعرفه مصوب نزدیک ترین شهر مجاور هستند. بنا به جهات فوق الذکر و اینکه تعیین تعرفه بهاء آب توسط وزارت نیرو متکی به اذن قانونگذار نیست، ردیف ۸ مصوبه شماره ۲۳۶۷/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۷۸/۲/۱۸ آن وزارتخانه که متضمن تعرفه بهاء آب در استان خوزستان و به میزان بیش از حد مقرر در قانون است، خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات وزارت نیرو در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می شود و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - قربانعلی دری نجف آبادی

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکی: شرکت تولیدی نوشاب.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبه مورخ ۱۳۶۱/۱/۲۳ قائم مقام وزارت کشور در شهرداری تهران و بخشنامه شماره ۱۰۷۴۱/۱/۳/۳۴ مورخ ۱۳۷۲/۸/۱۰ وزارت کشور. مقدمه: وکیل شاکی طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، شرکت نوشاب در سال ۱۳۷۰ به منظور ایجاد رقابت سالم در امر تولید نوشابه تولید خود را شروع نمود. بلافاصله پس از شروع به تولید با انواع و اقسام مراجعات و محدودیت ها و همچنین مطالبه پرداخت عوارض متعدد روبرو شده است از جمله، عوارض مورد مطالبه شهرداری است که مستند به بخشنامه شماره ۱۰۷۴۱/۱/۳/۳۴ مورخ ۱۳۷۲/۸/۱۰ وزیر کشور صادر گردیده است. بخشنامه فوق الذکر و مصوبه قائم مقام وزارت کشور در شهرداری تهران که موضوع بخشنامه ۱۰۴۱/۱/۳/۳۴ مورخ ۱۳۷۲/۸/۱۰ وزیر کشور می باشد فاقد پایگاه و جاهت قانونی است زیرا مقررات ماده ۴۲ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۶۹ که عیناً در ماده ۳۰ قانون مصوب سال ۱۳۷۳ تکرار شده است، وضع هر نوع عوارض و افزایش عوارض موجود را موکول به تصویب شورای اقتصاد نموده است.

بنا به مراتب ابطال بخشنامه شماره ۱۰۷۴۱/۱/۳/۳۴ مورخ ۱۳۷۲/۸/۱۰ وزارت کشور و مصوبه مورخ ۱۳۶۱/۱/۲۳ قائم مقام وزارت کشور در شهرداری تهران را بلحاظ مغایرت با قانون و خروج از حدود اختیارات مورد تقاضا است مدیرکل دفتر امور حقوقی وزارت کشور در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۳۱۵۲۴/۶۱ مورخ ۱۳۸۰/۴/۴ اعلام داشته اند، عوارضی که به استناد بند یک ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور مصوب سال ۱۳۶۱ وضع شده با رعایت مقررات مربوطه به تنفیذ نماینده ولی امر نیز رسیده و هم اکنون نیز حاکمیت اجرایی دارد و از جهتی در بند الف ماده ۴۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و ... صرفاً وضع عوارض جدید و افزایش عوارض موجود پیش بینی شده و به این ترتیب وضع عوارض جدید و یا افزایش عوارض موجود پیش بینی شده ناقض عوارض مصوب قانونی قبلی نمی باشد. لذا عوارض مورد ادعای شاکی به استناد دلایل فوق الذکر از نظر قانونی به قوت خود باقی است. هیأت عمومی

دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام و المسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء بشرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی: به موجب بند یک ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری مصوب ۱۳۶۱ تعیین عوارض متناسب با امکانات اقتصادی محل و خدمات ارائه شده با رعایت شرایط و ضوابط مربوط و تنفیذ مقام ولایت امر به شورای اسلامی شهر محول شده و به صراحت بند الف ماده ۴۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۶۹ در صورت عدم تکافوی عوارض وصولی، وضع عوارض جدید و افزایش عوارض موجود صرفاً به پیشنهاد وزیر کشور و تصویب ریاست جمهوری محول گردیده است.

بنا به مراتب فوق الذکر وضع عوارض بدون تحقق واجتماع شرایط مربوط و رعایت تشریفات مقرر در قانون و بدون پیشنهاد و تنفیذ یا تصویب مقامات ذیصلاح موافق حکم و هدف مقنن نیست. بنابراین مصوبه مورخ ۱۳۶۱/۱/۲۳ قائم مقام وزارت کشور در شهرداری تهران موضوع تعرفه وصول ۵٪ عوارض از بهای فروش عمده بر مبنای تولید خالص کلیه شرکت های تولید کننده ماء الشعیر و نوشابه های غیر الکلی و بخشنامه شماره ۱۰۷۴۱/۱/۳/۳۴ مورخ ۱۳۷۲/۸/۱۰ وزارت کشور مشعر به تعیین قلمرو اعتبار مصوبات مقامات ذیصلاح در اجرای بند الف ماده ۴۳ قانون فوق الذکر و همچنین تأیید اعتبار اجرایی عوارض کارخانجات نوشابه سازی به میزان بیش از یک درصد براساس مصوبه قائم مقام وزارت کشور مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی مربوط در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می شود و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - قربانعلی دری نجف آبادی

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکي: سازمان بازرسی کل کشور.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۳۷۳۵۶/۳۳/۱۰۰ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۲۵ وزارت نیرو.

مقدمه: مشاور معاونت امور اقتصادی و زیر بنایی سازمان بازرسی کل کشور در شکایتنامه تقدیمی اعلام داشته اند، گزارش بازرس دفتر سازمان بازرسی کل کشور مستقر در کرج حاکی از آن است که اجرای تبصره ۳ قانون ایجاد تسهیلات برای توسعه طرح های فاضلاب و بازسازی شبکه آب شهری افزایش آب بهاء به صورت موقت و تا زمان تشکیل شورای اسلامی شهر مورد نظر قانونگذار بوده و پرداخت آب بهاء به صورت علی الحساب وفق مفاد بخشنامه شماره ۳۷۳۵۶/۳۳/۱۰۰ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۲۵ وزیر نیرو فاقد وجاهت قانونی می باشد. لذا ابطال بخشنامه فوق الذکر مورد تقاضا است. مدیر کل دفتر حقوقی وزارت نیرو در پاسخ به شکایت مذکور اعلام داشته اند، با توجه به اینکه تعیین نرخ خدمات شرکت های آب و فاضلاب به شوراهای اسلامی شهر محول شده بود ولیکن شوراها در بدو امر به دلیل نبود تجربه، موفق به تصمیم گیری نشده و کار وصول وجوه آب بهاء معطل مانده بود لذا وزیر نیرو بخشنامه شماره ۳۷۳۵۶/۳۳/۱۰۰ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۲۵ را صادر نمودند که تا آب و فاضلاب به شرح جدول ضمیمه تعیین و به شرکت ها ابلاغ که براساس آنها با مشترکین تسویه حساب گردید. و عملاً مفاد بخشنامه با اعلام نرخهای مصوب غیر قابل اجراء شده است و در سال ۱۳۸۰ نیز پیش بینی شده است که کلیه وجوهی که از مشترکین دریافت می شود باید در تعرفه های مربوط که به تصویب کمیته نرخ گذاری استان می رسد ملحوظ گردد و در این خصوص نظر سازمان بازرسی کل کشور نیز تأمین شده است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام و المسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی: در تبصره ۳ قانون ایجاد تسهیلات برای توسعه طرح های فاضلاب و بازسازی شبکه های آب شهری مصوب ۱۳۷۷ منحصراً بررسی و تهیه و تنظیم راه کارهای

مشارکت مردم و سایر بخشهای و ایجاد تسهیلات برای اجرای طرح های آب و فاضلاب شهرها تا زمان تشکیل شورای اسلامی شهر تجویز شده است که چون مدلول تبصره مذکور متضمن وضع قاعده آمره در باب افزایش نرخهای مصوب سال ۱۳۷۸ در مورد آب بهاء، آبونمان و سایر خدمات مربوط تا زمان ابلاغ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نمی باشد، بنابراین بخشنامه شماره ۳۷۳۵۶/۳۳/۱۰۰ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۲۵ خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات وزارت نیرو تشخیص داده می شود و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - قربانعلی دری نجف آبادی

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکي: استانداری همدان.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۴، ۱۲، ۱۵، ۱۹ دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - شعبه چهارم در رسیدگی به پرونده کلاس ۵۵/۷۵ موضوع شکایت خانم پری رخسار سعیدی و غیره به طرفیت، استانداری همدان - شهرداری همدان به خواسته لغو ابطال تصمیم کمیسیون ماده پنج مورخ ۱۳۷۴/۷/۲۲ به شرح دادنامه شماره ۱۶۷۵ مورخ ۱۳۷۵/۱۲/۸ چنین رأی صادر نموده است، با توجه به اینکه تصمیم مورد اعتراض توسط کمیسیون جایگزین برنامه ریزی استان همدان اتخاذ گردیده است علیهذا این قسمت از دعوی مطروحه متوجه استانداری همدان و شهرداری همدان نبوده و قرار رد شکایت شکات به طرفیت خواندگان مرقوم صادر می گردد. در خصوص قسمت دیگر از موضوع شکایت به خواسته اعتراض به تملک پلاک ۱/۱۱۶ ملکی خودشان و لغو مجوز مورخ ۱۳۷۴/۱۰/۱۶ قائم مقام شورای شهر در مورد تملک پلاک مذکور ملاحظه می شود پلاک مورد نظر وسیله طرفهای شکایت تملک نگردیده و چون صرف صدور آگهی تملک صرفاً قصد تملک بوده و قصد تملک تا زمانی که از قوه به فعل در نیامده از این جهت قابل رسیدگی در دیوان عدالت اداری نمی باشد. علیهذا قرار رد شکایت صادر می شود.

ب - شعبه نوزدهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۵۱/۷۵ موضوع شکایت آقای اسماعیل عقیقی و غیره به طرفیت استانداری همدان به خواسته اعتراض به بند ۱۰ صورتجلسه ۱۳۷۴/۷/۲۲ کمیسیون ماده ۵ مبنی بر تغییر کاربری زمین حکم به ورود شکایت صادر نموده است. ج - شعبه پانزدهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۷۵۵/۷۸ موضوع شکایت آقای مسعود فامیل ذوقی و غیره به طرفیت استانداری همدان و شهرداری همدان به خواسته ابطال تصمیم کمیسیون ماده ۵ مورخ ۱۳۷۴/۷/۲۲ شورای عالی شهرسازی و لغو مجوز مورخ ۱۳۷۴/۱۰/۱۶ قائم مقام شورای شهر در مورد تملک املاک به شرح دادنامه شماره ۹۴۱ مورخ ۱۳۷۸/۶/۱ چنین رأی صادر نموده است.

نظر به اینکه شکایت شکات به طرفیت استانداری و شهرداری همدان متوجه نبوده است و از کمیسیون ماده ۵ شورای عالی شهرسازی شکایتی مطرح نشده، حکم به رد شکایت

صادر می گردد. د - شعبه دوازدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۴۹۶/۷۶ موضوع شکایت آقای علی یاسینیان و غیره به طرفیت شهرداری و استانداری همدان - اعضای کمیسیون ماده ۵ - میراث فرهنگی - مسکن و شهرسازی - استان همدان - اداره کشاورزی به خواسته، ابطال تصمیمات کمیسیون ماده ۵ - ابطال تملک املاک خواهانها ابطال طرح تله سی یژ- ابطال تصمیمات استانداری و شهرداری به شرح دادنامه شماره ۷۱۶ مورخ ۱۳۷۷/۶/۱۶ حکم به ورود شکایت و ابطال کلیه اقدامات مربوط به طرح تله سی یژ و دیگر تأسیسات مربوطه در اراضی و املاک مورد شکایت صادر نموده است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤساء و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره به اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی: نظر به اینکه کمیسیون موضوع ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مصوب ۱۳۵۱ به ریاست استاندار یا فرماندار کل و با عضویت رئیس شورای اسلامی شهر و شهردار، نمایندگان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مسکن و شهرسازی و نماینده مهندس مشاور تهیه کننده طرح دارای شخصیت حقوقی مستقل و مجزی از اعضاء تشکیل دهنده آن و سایر واحدهای دولتی و عمومی می باشد، بنابراین اقامه دعوی و طرح شکایت به خواسته ابطال مصوبات کمیسیون مزبور جز به طرفیت آن کمیسیون و جاهت قانونی ندارد و دادنامه شماره ۱۶۷۵ مورخ ۱۳۷۵/۱۲/۸ و شماره ۹۴۱ مورخ ۱۳۷۸/۶/۱ دو شعبه ۴ و ۱۵ دیوان مبنی بر قرار رد شکایت بخواسته ابطال مصوبه کمیسیون فوق الاشعار به لحاظ عدم توجه آن به استانداری موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می شود این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۷۸/۲/۱ برای شعب دیوان و سایر مراجع ذیربط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - قربانعلی دری نجف آبادی

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای اسماعیل آفاق

موضوع شکایت و خواسته: ابطال نامه شماره ۱/۴۷۳۵۴ مورخ ۱۳۶۸/۹/۲۱ شهردار ارومیه متضمن موافقت مورخ ۱۳۶۸/۱۲/۲۱ استانداری آذربایجان غربی.

مقدمه: شاکی طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، شهرداری ارومیه با توجه به دستور مورخ ۱۳۶۸/۱۲/۲۱ استاندار وقت بدون توجه به قیمت منطقه ای مجدداً از باغ متعلق به اینجانب ارزیابی و علاوه بر حقوق قانونی مبلغی بابت مابه التفاوت قیمت منطقه ای سال ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ بر مبنای هفتاد درصد (ارزش لاحق) دریافت نمودند با عنایت به حفظ حقوق مردم و پرهیز از صدور هرگونه بخشنامه یا آیین نامه خلاف قانون استدعای رسیدگی و ابطال بخشنامه ۱/۴۷۳۵۴ مورخ ۱۳۷۸/۹/۲۱ شهردار ارومیه که در تاریخ ۱۳۶۸/۱۲/۲۱ با شماره ۵۰۸۹۸/۱ مورد موافقت و تأیید استاندار آذربایجان غربی قرار گرفته است را دارم. شهردار ارومیه در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۱۵/۹۷۹۹ مورخ ۱۳۸۱/۳/۲۱ اعلام داشته اند، در خصوص دعوی آقای اسماعیل آفاق بر علیه شهرداری ارومیه مبنی بر وصول هفتاد درصد مابه التفاوت قیمت های سالهای ۱۳۶۴ (تاریخ قبل از داخل محدوده شدن) ۱۳۶۵ (بعد از داخل محدوده شدن) املاک واقع در شهرک ایثار که در اجرای مصوبه کمیسیون ماده ۵ قانون شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به داخل محدوده شهر ارومیه ادغام و در نتیجه اراضی موصوف مرغوبیت یافته اند را به قائم مقامی محترم وقت شورای شهر منعکس و در هاشم نامه شماره ۱/۴۷۳۵۷ مورخ ۱۳۶۸/۹/۲۱ نسبت به وصول ۷۰٪ ارزش لاحق به صورت کارشناسی روز را از مالکین موافقت نموده است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام و المسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از بحث و بررسی انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی: طبق بند یک ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور مصوب ۱۳۶۱ تعیین عوارض متناسب با امکانات اقتصادی محل و خدمت ارائه شده با رعایت سایر شرایط مقرر در بند مذکور با تنفیذ ولی امر به شورای اسلامی شهر محول شده و حسب

تبصره الحاقی به ماده ۵۳ قانون فوق الذکر مصوب ۱۳۶۴ قبل از تشکیل شورای اسلامی در هر شهر، وزیر کشور یا سرپرست وزارت کشور به عنوان جانشین شورای اسلامی آن شهر در امور مربوط به شهرداری ها تعیین گردیده است. بنا به جهات فوق الذکر و اینکه تعیین مرجع و مقام وضع عوارض و تغییر میزان آن علی الاصول از وظایف و اختیارات خاص قانونگذار می باشد، مصوبه مورد اعتراض خارج از حدود اختیارات استاندار آذربایجان غربی تشخیص داده می شود و به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - قربانعلی دری نجف آبادی

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: شرکت سهامی خاص زمزم شیراز

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تصمیم متخذه در جلسه مورخ ۱۳۷۸/۴/۱۴ شورای اسلامی

شهر شیراز

مقدمه: شاکی طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، شورای اسلامی شهر شیراز در جلسه

مورخ ۱۳۷۸/۴/۱۴ عوارض بر نوشابه را از ۱٪ به ۵٪ افزایش داده است که به شرح ذیل

مصوبه مذکور بر خلاف مقررات مربوطه بوده و لغو آن مورد استدعاست. براساس

بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب

شهرداران مصوب ۱۳۷۵ تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر و

نوع و میزان آن با در نظر گرفتن سیاست عمومی دولت که از سوی وزارت کشور اعلام

می شود، از اختیارات شوراهای اسلامی شهر می باشد.

همچنین ماده ۷۷ همین قانون به شوراهای اسلامی شهر اجازه داده است طبق آیین نامه

مصوب هیأت وزیران نسبت به وضع عوارض اقدام نمایند. براساس بند یک ماده ۳۵

قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری مصوب ۱۳۶۱ که در سال ۱۳۶۹ اصلاح شده

است وضع عوارض شهرداری به پیشنهاد وزارت کشور و تنفیذ ولی امر می باشد که در

همین رابطه تعرفه عوارض تنفیذی در سال ۱۳۶۶ به تصویب نماینده مقام معظم ولایت

فقیه رسیده است و بند ۳۹۳ آن مربوط به پرداخت ۱٪ عوارض از محل فروش محصولات

کارخانجات تولید کننده کالاهای صنعتی و تجاری مواد غذایی می باشد و چون

نوشابه ها کلاً برای عرضه در سایر نقاط می باشد و محلی محسوب نمی شود مستند به

تبصره ماده ۲ آیین نامه اجرایی نحوه وضع و وصول عوارض توسط شوراهای اسلامی

شهر، بخش و شهرک موضوع قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور

و انتخاب شهرداران وضع آن از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر خارج می باشد.

همچنین ماده ۱۰ آیین نامه مذکور افزایش اینگونه عوارض را به صورت مفهوم مخالف

خارج از اختیارات شورای شهر دانسته است. بنا به مراتب مصوبه شورای اسلامی شهر

شیراز خارج از حدود اختیارات شورای شهر و بر خلاف قوانین و مصوبات مذکور

می باشد و ابطال آن مورد تقاضا است.

رئیس شورای اسلامی شهر شیراز در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۱۶۰۱۲/ش الف مورخ ۱۳۸۱/۴/۱۲ اعلام داشته اند، ۱- شورای اسلامی شهر شیراز در تاریخ ۱۳۷۸/۴/۱۴ با توجه به بررسی های به عمل آمده و از جمله میزان خدمات ارائه شده به کارخانجات نوشابه سازی و ملاحظه مصوبات سایر کلان شهرها از جمله تهران، مشهد، تبریز، اصفهان، اهواز اقدام به افزایش عوارض کارخانجات نوشابه سازی از ۱٪ به ۵٪ نموده و این مصوبه را طبق ماده ۷۸ قانون شوراها و ماده ۱۲ آیین نامه اجرایی وضع و وصول عوارض مصوب هیأت وزیران در تاریخ ۱۳۷۸/۴/۲۶ به استانداری و فرمانداری ارسال نموده که تاکنون مورد ایراد واقع نگردیده است. ۲- همانگونه که استحضار دارید نوشابه در سراسر ایران به قیمت واحد به فروش می رسد از طرفی در سال ۱۳۶۶ شهرداری مشهد، تهران، اصفهان، تبریز، اهواز عوارض را به میزان ۵٪ از کارخانجات نوشابه سازی به استناد مصوباتی که طبق ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراها به تصویب وزارت کشور و تنفیذ نماینده محترم ولی فقیه رسیده است اخذ نموده اند و این عوارض در قیمت نهایی نوشابه محاسبه شده و در واقع آن دسته از کارخانجاتی که مصوبه عوارض ۵٪ نوشابه در شهرداری های محل استقرار آنها وجود نداشته از سال ۱۳۶۶ این مبلغ را به حساب خود واریز نموده اند و سود بیشتری نسبت به کارخانه های نوشابه سازی سایر شهرها عایدشان شده است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی: طبق بند الف ماده ۴۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۶۹ در صورت عدم تکافوی عوارض وصولی وضع عوارض جدید و افزایش عوارض موجود صرفاً به پیشنهاد وزیر کشور و تصویب ریاست جمهوری محول گردیده و به حکم بند ۱۶ ماده ۷۱ و ماده ۷۷ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراها و اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ منحصراً وضع عوارض و تغییر نوع، میزان آن به تناسب تولیدات و درآمدهای اهالی شهر به منظور تأمین بخشی از هزینه های خدماتی و عمرانی مورد نیاز قلمرو جغرافیایی شهر با رعایت سیاست عمومی دولت و آیین نامه هیأت وزیران از جمله وظایف شورای اسلامی شهر شمرده شده و هیأت دولت نیز با استفاده از اختیار قانونی خود به شرح ماده ۲ آیین نامه اجرایی نحوه وضع

ووصول عوارض توسط شوراهای اسلامی شهر، بخش و شهرک مسئولیت وضع عوارض در حدود درآمدها عرضه کالاها و خدمات و سایر امور مربوط به شهر، شهرک و بخش ذیربط را به شورای اسلامی شهر تفویض کرده است. نظر به اینکه افزایش عوارض کارخانجات تولیدی نوشابه با توجه به وسعت بازار مصرف داخلی و خارجی آن منصرف از موارد مقرر در بند ۱۶ ماده ۷۱ و ماده ۷۷ قانون فوق الذکر است، مصوبه مورخ ۱۳۷۸/۴/۱۴ شورای اسلامی شهر شیراز مبنی بر افزایش عوارض کارخانجات تولید نوشابه از یک درصد به پنج درصد خارج از حدود اختیارات شورای مذکور در افزایش عوارض مورد نظر تشخیص داده می شود و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - قربانعلی دری نجف آبادی